

عنوان مقاله : بررسی تأثیر اشتغال جمعیت زنان بر کارکردهای خانواده (مطالعه موردی در بین کلیه زنان متأهل در سال ۹۲ در شهر دهدشت)

نویسنده: محمد حاتمی کیا کارشناس ارشد جامعه شناسی ۹۳۸۹۹۱۵۸۷۳@yahoo.com.۲۰۰۸@hatami

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان بررسی تأثیر اشتغال جمعیت زنان بر کارکردهای خانواده (مطالعه موردی در بین کلیه زنان متأهل در سال ۹۲ در شهر دهدشت)، با حذف بررسی نحوه تربیت فرزندان، رضایت از زندگی، مسئولیت پذیری، رفاه و آسایش در اشتغال زن بر کارکردهای خانواده انجام شده است. روش تحقیق براساس رویکرد کمی تحقیق وبا استفاده از روش پیمایش واز شاخه های میدانی وجامعه آماری کلیه زنان متأهل سال ۹۲ می باشد تعداد نمونه ۲۰۰ نفر محاسبه گردید. واین افراد به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ۲۰ سوال وپرسشنامه اهداف مربوط به زندگی شغلی و خانوادگی ۲۰ سوال که هر دو در قالب طیف لیکرت طراحی شده اند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از نرم افزار spss و آمارهای توصیفی و استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که عوامل نحوه تربیت فرزندان، رضایت از زندگی، مسئولیت پذیری، رفاه و آسایش همه به صورت معناداری بر کارکردهای خانواده تأثیر دارد. که بیشترین تأثیر را نحوه تربیت فرزندان ۳۸٪ ($r=62$) و کمترین را رضایت از زندگی با ۱۰٪ ($r=32$) / $p < 0.05$ دارا می باشد.

کلید واژگان : اشتغال ، جمعیت زنان ، کارکرد خانواده

مقدمه

در همه جوامع نیروی کار از مهمترین عوامل تولید به شمار می رود و درآمد حاصل از آن همیشه بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می دهد. نظر به اینکه جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی به نیروی کار نیاز دارند و زنان نیز نیمی از این جمعیت جهان را تشکیل می دهند، جمعیت زنان باید بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را تامین کنند. بدون تردید نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی کشورها نقش مهم دارد و به همین دلیل کشورهای پیشرفته در روند صنعتی شدن به طور مداوم بر نرخ مشارکت زنان در تولید افزوده اند. به طور کلی در خصوص میزان اشتغال زنان در سطح جهان گفت که در کشورهای مختلف دنیا سهم مشارکت در فعالیت های اقتصادی تفاوت زیادی با یکدیگر دارند (علویان، ۲۵: ۱۳۸۴-۲۴) در بین تمام نهادها و سازمانها و موسسات اجتماعی، خانواده مهمترین و ارزشمندترین نقش ها را دارا است و افراد از سوی خانواده به عرصه هستی گام می گذارند (ساروخانی، ۱۱، ۱۳۷۰)

اشتغال زنان یعنی اینکه زن در کنار کارهای معمولی خود مثل فرزند آوردن و تربیت کردن و کارهای درون منزل در کنار مردان در کارهای بیرون منزل نیز شرکت می کند. اگرچه، به خاطر محدودیت های جنسی زنان قادر به همه کارهایی که مردان انجام می دهند نیستند، اما در جامعه امروزی زنان دوشادوش مردان در کارهای خدماتی و رفاهی مشغول هستند (پرتو ۱۳۸۸: ۳)

در کل، دوسوم کارهای انجام شده در جهان را زنان به عهده دارند. چنانچه به استعداد های بالقوه این پتانسیل قوی که انواع مختلف کارها را چه به صورت رسمی انجام می دهند. توجه شود، می تواند آن را به یکی از بزرگترین منابع سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه تبدیل کند. (الوانی و ضرعانی، فر، ۱۳۸۰)

بیان مسأله و اهمیت و ضرورت مسأله تحقیق

روابط خانوادگی تحت تأثیر پویایی نهادهای اجتماعی، با تحول دائم روبه روست با تحول شرایط زیستی و به تبع آن بروز نیازهای جدید پیوسته نقش مادر در حال تغییرند. همراه با تغییرات ساختاری جامعه و بر اثر تحولات زندگی خانوادگی، زن خانه دار در عین مسئولیت های متعارف خود بیش از پیش مجبور به کار در خارج از خانه شده است. تأثیر اجتماعی عمده این تغییر دگرگانی روال نستی در نقش زنان و تصمیم کار درون خانواده است. (همشهری، ۱۳۸۶: ۲۳)

قبل از شهرنشینی بسیاری از زنان وظایف متعددی را فزون بر مراقبت از بچه ها و کارهای معمول خانه انجام می دادند کاشتن گیاهان در مزارع، مراقبت از گوسفندان، تهیه نان و نظافت از جمله کارهای زنان بود، زنان بخش مهمی از اقتصاد غیر رسمی را پوشش می دهند. خانه یکی از مکانهایی است که فعالیت آن جز اقتصاد غیر رسمی است. انواع کار در درون خانه بدون پرداخت مزد صورت می گیرد (سفیری، ۱۳۷۷: ۱۲۹)

زنان بسیاری وارد عرصه کار شده اند و این واقعیتی است که زندگی شخصی افراد هر دو جنس را قویاً تحت تأثیر قرار داده است. فرصتهای وسیع حرفه ای و تحصیلی بسیاری از زنان را به کنار گذاشتن ازدواج و بچه دار شدن تا از شروع کار ترغیب کرده است. این تغییرات بدین معنا نیز هست که بسیاری از زنان شاغل کمی بعد از بچه دار شدن دوباره به کار باز می گردند نه این که همراه با کودکان نوزاد خود در خانه بمانند. این تحولات ایجاب می کند که تنظیم و تعدیل های سهمی در خانواده ها، در ماهیت تقسیم کارهای خانگی، در نقش مردان و در تربیت کودکان به وجود آید و با پیدایش روشهای کاری (خاصی خانواده، نیازهای زوج شاغل) برطرف شود. (سیفری، ۱۳۷۷: ۲۳۴)

انجام این پژوهش در جهت پاسخ به این پرسش است که اشتغال زنان چه تأثیری بر کارکردهای خانواده می تواند داشته باشد؟

در سراسر تاریخ همواره به زنانی برمی خوریم که ضرورت های اقتصادی و اجتماعی آنان را به تکاپوی اقتصادی و اشتغال کشانیده است. تفاوت سده اخیر با اعصار گذشته که دگرگونی های ساختاری در حوزه اقتصاد که با کاهش قدرت خرید و تغییر الگوی مصرف انجامید، ضرورت اشتغال زنان را بیش از گذشته مطرح ساخت. افزون بر این دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی اشتغال را از نیاز اقتصادی برای بخشی از زنان به مطالبه بسیاری از زنان تبدیل کرد. اکنون اشتغال زنان هم در ادبیات توسعه و هم در علوم اجتماعی یکی از موضوعات پر دامنه است. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸: ۹۰)

از دیگر نکات با اهمیت اشتغال زنان این مسأله است که زنان شاغل برای خود و جبهه ای در جامعه کسب کنند و خود را به سطح اجتماعی مردان برسانند. با توجه به محدودیتهای که زنان در جامعه دارند و مشکلات بعضی از آنها با همسران خود در رابطه با کار بیرون از منزل و همچنین تبعیضی که جامعه میان نیروی کار مردان و زنان می گذارد، انجام تحقیقات علمی در مورد زنان و خصوصاً مسئله اشتغال زنان در جامعه امروزی دارای اهمیت بسیاری می باشد. (سیفری، ۱۳۷۷: ۱۷۵)

هدف اصلی:

بررسی کارکرد خانواده مادران شاغل و مقایسه آن با کارکرد خانواده مادران خانه دار به منظور شناخت دقیق تر خصوصیات این نوع خانواده ها است.

اهداف فرعی:

- هدف شناخت نتایج مثبت و منفی اشتغال خارج از منزل جمعیت زنان بر خانواده
- شناخت پیامدهای اشتغال جمعیت زنان بروی خانواده، خود و جامعه
- بررسی تأثیر اشتغال جمعیت زنان بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان
- بررسی تأثیر اشتغال جمعیت زنان بر شیوه فرزند پروری آنها

بیان فرضیه های تحقیق :

- فرضیه اصلی :

به نظر می رسد بین اشتغال زنان و کارکرد خانواده رابطه وجود دارد؟

- فرضیات زمینه ای :

- به نظر می رسد بین اشتغال زنان و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین اشتغال زنان و مسولیت آنان در خانواده رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین اشتغال زنان و استقلال آنان در خانواده رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین اشتغال زنان و رفاه و آسایش در خانواده رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین اشتغال زنان و تربیت فرزندان رابطه معناداری وجود دارد؟

پیشینه تحقیق :

ساروخانی (۱۳۷۰) در پژوهش خود درباره اشتغال زنان در شهر تهران در میان نمونه ۱۰۲۰ نفری از زنان به این نتایج دست یافت که ۳۶/۵ درصد از زنان مورد پژوهش موافق اشتغال زن ، ۲۷ درصد مخالف مطلق و ۳۲/۳ موافق مشروط اشتغال زنان بوده اند. ۵۷٪ درصد از زنان موافق اشتغال زنان ، دلیل خود را کمک اقتصادی به خانه دانسته اند. ۴۰ درصد نیز دلایل روانی ، اعتبار اجتماعی و اشتغال زن را مطرح کرده اند.

ساروخانی (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان چالش های اشتغال زنان به این نتیجه رسیده که از بین عوامل مؤثر بر اشتغال زنان، عامل درآمد خانواده ، طبقه اجتماعی، سواد و انزای جغرافیایی بیشترین اثر را داشته است. در واقع این عوامل از سهم و نقش زنان کاسته است.

ملک زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش ها به بررسی و شناخت عوامل مؤثر و مانع مشارکت زنان و تعیین نقش این قشر از جامعه در اقتصاد کشور اقدام کرده است.

احمدی ، علی اصغر (۱۳۸۷) در تحقیق با بررسی تاثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان به نتایج جالب توجهی دست یافته است، این که دانش آموزانی که مادر شاغل دارند، نسبت به دانش آموزانی که مادر غیر شاغل دارند، سازگاری اجتماعی بیشتری دارند. همچنین بین رضایت شغلی مادران و سازگاری اجتماعی فرزندان همبستگی وجود دارد و متقابلاً بین تنش شغلی مادران و پیشرفت تحصیلی فرزندانشان رابطه منفی دارد.

رومن (۱۹۵۶) در پژوهشی که در باره دانش آموزان لوس آنجلس انجام داد نتیجه گرفت تنها یک چهارم مادران شاغل به مسائل و نیازهای روانی کودکانشان رسیدگی می کنند.

مکنی، پوند (۱۹۷۰) مطالعات آنان نشان می دهد که در دهه ۱۹۷۰ نهاد خانواده در جامعه ای مثل انگلستان نیاز به دو نفر نان آور داشته تا بتوانند از عهده تأمین سطح زندگی در حد عادی آن برآیند. به طور کلی تحولات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و دیگر جوامع باعث شد تا زنان نقش دوگانه خود را امراز و حفظ نمایند.

وندکاس اولدز (۱۹۷۰) بسیاری از زنان شاغل در کشورهای اروپایی اظهار کرده اند که حتی بدون نیاز به پول به کار کردن ادامه می دهند شمار دیگری نیز گفته اند که نمی توانند بیکار بودن را تصور کنند. آنان استقلال و متکی به خود بودن را احساس می کنند و از اینکه از فضای تنگ خانه بیرون آمده اند لذت می برند.

مارتین ورابرتش (۱۹۸۴) در مطالعه ای که از وضعیت زنان و اشتغال در جامعه بریتانیا به عمل آمده، حاکی از این است که نیمی از زنان که بین سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۹ اولین بچه خود را به دنیا آورده اند ظرف مدت ۴ سال مجدداً به کار خود بازگشته اند. در حالی که این شاخص بین سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۰ حدود ۹/۶ در آن جامعه برآورد گردیده است

چارچوب نظری تحقیق

دستیابی به توسعه و رشد اقتصادی، که از اهداف بزرگ همه کشورهاست، نیازمند برنامه های توسعه است. در برنامه های توسعه نیز باید اولویت اصلی را به توسعه منابع انسانی داد. در این راستا، باید بخشی از سهم سرمایه گذاری دولت در توسعه منابع انسانی به زنان که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می دهند، تخصیص یابد. تا پیش از دهه ۱۹۷۰، زنان را کنشگران مهم در فعالیت اقتصادی نمی دانستند، و همواره زنان نیز سلطه مردان دیده شده. معمولاً مشارکت زنان و بهره گیری از آنها در پروژه ها نادیده گرفته می شد. ریشه این نابرابری در تقسیم کار سنتی میان زنان و مردان بوده که در عمل تمرکز زنان بر کار خانگی و سوق دهی مردان به کار خارج از خانه را موجب شده است. از دهه ۱۹۷۰ تغییراتی در نگرش به نقش زنان در فعالیت های اقتصادی پدید آورده است.

اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان سال جهانی زن و در پی آن، اعلام دهد زن از سوی سازمان ملل نمونه هایی از این روند تغییرات بود، که توجه جهانیان را به نقش انکار ناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و برای تلاش در رفع تبعیض از زنان، انگیزه های لازم را در سازمانهای بین المللی و بسیاری از حکومت ها به وجود آورد. (خانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲)

در واقع، آنچه موجب می شود که زنان روستایی نادیده گرفته شود، برخی مشعلات روانشناختی اقتصاد ملی در سطح کلان است (جزایری، ۱۳۷۶: ۸) و از این روست که با تلاش گروه های طرفدار حقوق زنان، ضرورت ایجاد ارزش پولی برای کار بازاری زنان در کنفرانس چهارم سازمان ملل در ۱۹۹۵ مورد تأکید قرار

گرفته (Armstrong، ۲۰۰۱: ۷) به ایجاد ارزش مادی برای کار بدون دستمزد اما مولد زنان در منزل نیز توجه روز افزون می شود. (goyceetac ۱۹۹۹: ۳۰)

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، هر کشور متفاوت بود، به عوامل گوناگون از جمله مشارکت زنان، اندازه و سیاست های دولت توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده، میزان سود و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد.

جامعه شناسان بر تقسیم کار و تنوع مشاغل به عنوان وجه تمایز جامعه صنعتی امروز و جوامع سنتی از جهت کار انگشت می گذارند و گیرند، (۱۳۸۷: ص ۵۱۸). آدام اسمیت و فر در یک تابلور بر تقسیم کار و سازماندهی تولید صنعتی تأکید کرده اند که تأثیر فراگیری برشکی کنونی مشاغل داشته است. بنا بر نظر «مارکس» تقسیم کار، انسان ها را از کارشان بیگانه می کند و به وظایف خسته کننده و ملال آوری تقلیل خواهد داد (همان، ص ۵۵۲).

گیدنز

آنتونی گیدنز معتقد است: هر چند کارخانگی از نظر ارزش تقریباً معادل یک سوم کل تولید سالانه در اقتصاد امروزی است کاری مزد زنان در حوزه خانگی تا اندازه زیادی نادیده گرفته می شود. قبل از شهر نشینی اکثر زنان وظایف گوناگونی را افزون بر مراقبت کودکان و کارهای خانه انجام می دادند، وظایف زنان اغلب هم‌هنگی نزدیکی با وظایف مردان داشت و خانه واحد تولیدی یگانه ای را تشکیل می داد. با پیدایش و توسعه محل هایی کار جدا از خانه، تولید نیز از مصرف جدا گردید و بانوی خانه یک مصرف کننده شد. یعنی کسی که کار نمی کند و فعالیت تولیدی او در کارخانگی از نظر پنهان شد. بین دو جنگ جهانی تعداد زنان خانه دار به اوج رسید؛ اگر چه برای زنان غیر متأهل معمول بود که شاغل مزد بگیر باشند. اکثریت زنان متأهل در آن زمان کار نمی کردند. در هر دو جنگ جهانی زنان تشویق به اشتغال شدند تا جای مردانی که به نیروهای مسلح پیوسته بودند را بگیرند. پس از جنگ جهانی اول آنها اخراج شدند، اما بعد از پایان جنگ دوم اخراج به طور کامل انجام نشد و رشد اشتغال زنان از آن پس با گسترش مشاغل خدماتی ارتباط نزدیک یک پیدا کرد. مشاغل زنان در بازارهای کار درجه دوم مشاغل بی ثبات با دستمزد اندک، شرایط کار نامناسب و فرمت کم برای ترفیع و پیشرفت شغلی مانند: پیشخدمتی، خرده فروشی، نظافت و.....) تمکز یافته است. زنان همچنین بسیار بیشتر از مردان در کارهای مزد بگیری نیمه وقت تمرکز کرده اند « انود درصد کارگران زن در انگلستان کار می کنند» (همان، ص ۵۶۶) هر چند توجه دور یکم به اخلاق کار، نقد مارکس بر تقسیم کار در جامعه صنعتی و تأکید (وبر) بر فهم تفسیری از رفتار عاملان در جامعه شناسی اشتغال مائز اهمیت است، باید اذعان کرد، هیچ کدام از این سه نفر در موارد مهمی چون

مناسبات بین گروه های جنسی و نژادی ، اهمیت روابط بین محدوده فعالیت در محل کار ، خانه و..... بحث نکرده اند (سفری ، ۱۳۸۰:ص ۱۶)

آیا با وجود گسترش مشاغل و تقسیم کار در جامعه صنعتی جایگاه زنان را می توان به گونه ای دیگر تبیین نمود؟ شاید تاکید بر نقش های جنسیتی راه حل دیگر باشد. «پارسونز» خانواده را پاره ای از نظام کل جامعه می داند که بر مبنای تفکیک نقش های جنسی بنا شده است. تخصص و تفکیک نقش ها به حفظ نظام خانوادگی و وحدت آن کمک می کند و مبنای اجتماعی کردن کودک است. مرد رئیس خانواده و نقش نان آور را برعهده دارد و زن نقش بانوی خانه را ایف می کند. نقش اقتصادی مرد و شغل وی تعیین کننده ترین پایگاه حقوق خانواده و نقش اصلی مرد در جامعه است و خانه داری اساس ترین فعالیت و نقش زن است ، زن مدار زندگی خانوادگی است. از دیدگاه وی تفکیک جنسیتی نقش ها در شکل گرفتن شخصیت کودک نقش قاطعی دارد. پسر خود را با پدر همانند می کند و دختر به ما تاسی می جرید. اشتغال زن و علاوه برآنکه موقعیت عاطفی زن در خانواده را متزلزل می سازد و به سبب رقابت شغل زن باشوهر به ناهماهنگی ونا به سامانی خانواده می انجامد (ریترز ۱۳۷۰: ۶۶۶). البته این نکته اخیر در مشاغل نیمه وقت و پاره وقت زنان کمتر به چشم می خورد.

تمام فمینیست ها اعم از لیبرال موج اول تا فمینیست های مارکیست، سوسیالیست و رادیکال در موج دوم براین نکته اتفاق نظر دارند که تبعیض جنسیتی در مورد زنان محکوم است و ریشه های آن را در پندارهای مردم سالارانه جوامع سستی می دانند (قیطانچی ، ۱۳۸۱:۱۸۶). افزون براین فینیست های مارکیست ، سوسیالیست و رادیکال از سنت لیبرال مرجع اول فنیسم که در آثار فریدان ادامه یافت احساس رضایت نمی کردند. فیمینیست های لیبرال برای مدت مدیدی برفردیت زنان به عنوان تنها معرض اجتماعی لاینحل تأکید می کردند و از نا برابری نقش زنان در خانوار و تولید مثل و باز تولید بین سنی غافل مانده بودند (همان ، ص ۱۸۹: ۱۹۰) ، جامعه شناسی فینیستی نیز جامعه شناسی است که بابرتری مردان که نابرابری زنان را نهادینه می سازند مخالفت و مقابله می کند و مشخصه بارز فمینیسم این نظر است که فرو دستی زنان باید مورد تردید و اعتراض قرار گیرد. در مجموع فمینیست ها بر نکات ذیل در خصوص اشتغال زنان تأکید می کنند.

الف) تقسیم کار جنسیتی ساخته و پرداخته اجتماع است و ربطی به تفاوت های طبیعی دو جنس ندارد، یعنی شغل ها مهر زنانه یا مردانه می خوردند.

ب) نان آور بودن مردان و تیمار داری زنان به طور اختصاصی هیچ دلیل موجهی ندارد و کاملاً ممکن است زن و مرد را به یک اندازه در تامین معاش خانواده و انجام کارهای خانه و بچه داری مسئول دانست
ج) خانه داری ، کارگری رایگان و بدون مزد است . در حالی که خانه داری نیز کاری واقعی است و باید از همین وجه به آن نگرینست خانه داری کاری سخت و طاقت فرساست (به طور میانگین ۷۷ ساعت

در هفته) و باوری که زن خانه دار را ضعیفه تلقی می کند ، از آنجا سرچشمه گرفته که کارهای خانه پنهان از دید عموم و بدون چشم داشت هادی واغلب فقط از روی عشق و علاقه انجام می شود. فیمینیستهای رادیکال معتقدند مردان از کار رایگان زن در عرصه خانه سود می برند ، به همین دلیل به شدت به حفظ تقسیم کار جنسی علاقه مندند و با قوانین تسوی و فرصتهای شغلی به مقابله برمی خیزند. فیمینیستهای مارکیست، خانه داری رایگان زنان را به سود نظام سرمایه داری می دانند و رادیکالها معتقدند بهره اصلی به مردان می رسد.

د) توجیه تفاوت دستمزد مردان و زنان براین اساس است که مردان بیش از زنان به کارهای تخصصی می پردازند، ولی فینیسیت ها مثل فیلیپس و تایلور (۱۹۸۰ م) ، کوپل (۱۹۸۴ م) مدعی اند که تخصص مقوله ای ساخته و پرداخته اجتماع است

ه) تحقیقات فمینیسمی (آنجلا اکویل ۱۹۸۴ م) با مخالفت با دیده گاه سنتی که شخصیت و منزلت اصلی زن در نقش همسری و هاوری است و زنان همیشه می توانند به نقش خانگی اولیه خود بازگردند ، معتقد است، کار و هویت سختگی در زندگی بسیاری از زنان نقش عمده ای بازی می کند و پولی که در می آورند ، ضروری است.

و) زنان عمدتا در مشاغل زنانه و خیاطی ، پرستاری ، منشی گری و صندوق داری او مشاغل بازار ثانویه (متشکل از حرفه های غیر تخصصی کم در آمد و نامطمئن که امکان آموزش و پیشرفت در آنها نیست) قرار دارند. فمینیست های هارکیست (برونگ ۱۹۷۹ م) علت را ایدئولوژی خانواده و تقسیم کار جنسی در درون خانواده می دانند که زنان را به خانه داری مکلف می کند، لذا نیازهای نظام سرمایه داری به نوع مشخصی از نیروی کار یعنی نیمه وقت و کم در آمد هم خوانی دارد به اعتقاد ماکیست ها سازمانهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی در نظام سرمایه داری شکل دهنده اعتیاد زنان در خانواده می باشد براین اساس انقیاد زنان در خانواده های بورژوا نتیجه عملکرد اقتصادی آنان می باشد. الغای ماکیست خصوصی به خانواده فرصت توسعه ی روابط مساوات گرایی را می دهد. مارکس و انگلیس اعتقاد دارند که استقلال سیاسی به تنهایی نمی تواند پایه ای برای مساوات کامل جنسی باشد ماکرس و انگلس به مشارکت زنان در نیروی کار توجه می نمایند.... مارکیسم از گرایی به عنوان یک راه حل برای مشکل تنشهای زنان در جامعه امتناع کرده ، می خواهند توسعه سیاسی و اقتصادی به زنان با عوض شدن نظام کمی جامعه همراه باشد. آنها وضعیت زنان را تابع یک تغییر مهم تر در جامعه می دانند (مصفا، ۱۳۷۵: ۸۴)

تاریخچه اشتغال زنان در ایران

در گذشته در ایران نیز، کوشش مریبان بیشتر این بود که دختران را فقط برای زندگی سالم خانوادگی آماده کنند و به کارهای علمی و فکری آنان توجه لازم نمی شد، زیرا تصور می کردند که زن تنها برای خانه داری و تولید مثل و پرورش کودک خلق شده است و حضور اجتماعی او مفید نبود یا مضر می باشد. در دوران قاجار، جدایی زنان مرفه شهری از اجتماع به درجه ای بود که تنها هنگام حمام رفتن، شرکت در جلسات مذهبی یا مهمانی های زنانه می توانست در کوچه و بازار ظاهر شوند. در میان زنان طبقات محروم و متوسط جامعه، برای تأمین هزینه زندگی و ضروریات کار در مزارع جالیز و شالی و یا کارگاههای بافندگی و صنایع کوچک دستی الزامی بوده است. (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲)

مشارکت زنان ایرانی در بازار کار، صدسال بعد از حضور هم‌تایانشان در جوامع صنعتی بوده است. و این مشارکت در طول سه دهه اخیر، با نوسانهای شدیدی رو به رو شده است. طبق آمارهای ارائه شده، نرخ مشارکت زنان در بازار کشورهای پیشرفته آمریکای شمالی و کانادا، حدود ۵۰ درصد است. نرخ اشتغال زنان در ایران، بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی، حدود یازده درصد و بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی، بالغ بر سیزده درصد است. برخی آمارهای غیر رسمی، بالغ بر سیزده درصد است. شاخص توسعه انسانی برای زنان در کشورهای توسعه یافته ۸۰ درصد، در کشورهای توسعه یافته ۶۰ درصد مردان و در ایران شاخص، ۶۰ درصد مردان است. بررسی علل این تفاوت در کشورهای توسعه نیافته نشان می دهد که در کشورهای توسعه یافته بیشترین تفاوت ناشی از اشتغال و سطح دستمزدهاست در حالی که در کشورهای توسعه نیافته علاوه بر تفاوت های مربوط به بازار کار، تفاوت در تعلیم و تربیت، بهداشت و تغذیه نیز به چشم می خورد (صادقی و عمارزاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵)

در کل، دو سوم کارهای انجام شده در جهان را زنان به عهده دارند چنانچه به استعدادهای بالقوه این پتانسیل قوی که انواع مختلف کارها را چه به صورت رسمی و چه به غیر رسمی انجام می دهند، توجه شود، می تواند آن را به یکی از بزرگترین منابع سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه تبدیل کند. (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰، ص ۹۷)

برآورد شاغلان زن برحسب سن و وضع شغلی استان کهگیلویه و بویراحمد

اظهار نشده	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	بخش خصوصی				جمع	جنس و سن	
		کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کارفرمایان			جمع
۷۱۱	۸۱۸۲	۱۶۸۷	۱۶۰۹	۳۰۹۸	۴۰۵	۶۷۹۹	۱۵۶۹۲	زن
۶۹	۰	۲۸۵	۳۶	۶۰	۰	۳۸۱	۴۵۰	۱۰-۱۴ساله
۹۷	۷۵	۳۶۳	۲۱۰	۲۱۸	۱۶۲	۹۵۳	۱۱۲۵	۱۵-۱۹ساله
۱۰۳	۱۱۳۵	۱۹۸	۴۱۵	۵۰۴	۵۸	۱۱۷۴	۲۴۱۳	۲۰-۲۴ساله
۱۸۵	۲۵۷۹	۱۶۳	۴۷۸	۵۳۹	۲۸	۱۲۰۸	۳۹۷۲	۲۵-۲۹ساله
۱۱۵	۲۰۶۲	۲۰۵	۲۵۲	۳۸۷	۴۴	۸۸۷	۳۰۶۴	۳۰-۳۴ساله
۴۵	۱۲۲۹	۱۲۱	۱۶۱	۳۹۱	۶۰	۷۳۴	۲۰۰۸	۳۵-۳۹ساله
۴۴	۸۸۹	۲۴۷	۵۶	۵۷۰	۲۸	۹۰۰	۱۸۳۴	۴۰-۴۹ساله
۵۰	۱۸۲	۹۵	۰	۳۴۲	۲۲	۴۵۹	۶۹۱	۵۰-۶۴ساله
۲	۳۰	۱۱	۱	۸۸	۳	۱۰۲	۱۳۵	۶۵ساله و بیشتر

منبع: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵

مدل جدید اقتصاد خانواده

از آنجا که نئوکلاسیک اقتصاد خرد مبتنی بر تصمیمات فردی است، لذا مورد انتقاد قرار گرفته است (بیکر، ۱۹۸۱) با ارائه دیدگاه جدید اقتصاد خانواده نظریه مطلوبیت خانواده جایگزین مطلوبیت فرد می شود، به عبارت دیگر خانواده به دنبال به حداکثر رساندن مطلوبیت است. در این دیدگاه، تمامی تصمیمات خانواده در این چارچوب اتخاذ می شوند. در این نوع تحلیل بین تصمیمات عرضه کار زن و تصمیمات مصرف همبستگی وجود دارد. هر چند مزیت این مدل حرکت از فرد به سمت خانواده است، با وجود این ایراد اساسی آن عدم توجه به ترجیحات افراد خانواده می باشد. لذا باید یک مجموعه قوانین برای وزن دادن به ترجیحات افراد خانواده ارائه شود. در اینجا ترجیحات خانواده توسط نماینده خانواده (دیکتاتور خیر خواه و رفاه) اتخاذ می شود این دیدگاه با تجربه از تضادهای تصمیم گیری، فرد و خانواده را به هم مرتبط می کند. فمینیست ها (Polacheck, ۱۹۷۹) معتقدند که دیکتاتور خیر خواه همان شکل مردم سالاری در یک زمان خانواده است. آنها اعتقاد دارند با ارائه مدل‌های چانه زنی روابط خانواده می توان بر این مشکل فائق آمد

در این مدل تقسیم کار بر اساس برتدینسبی انجام می شود. بدین نحو که مردان چون درآمد بیشتری دارند زن آور خانواده هستند و زنان چون درآمد کمتری کسب می کنند (به علت بچه دار شدن و مراقبت از فرزند مجبور به ترک کار می شوند، لذا از بهره وری بالاتر در کار خانگی کمتر در کار بازاری بجز خوردارند. در نتیجه این تقسیم کار خانگی بر اساس برتری نسبی، زنان را (خصوصاً متأهل و دارای فرزند) به دنبال کارهای انعطاف پذیر و اشتغال نیمه وقت سوق می دهد، بنابراین تابع عرضه کار زنان بی ثبات تر از مردان است (Brown, j, ۱۹۹۹)

زنان و توسعه اقتصادی (نقش اقتصادی زنان)

در این زمینه نقش زنان در تصمیم گیری های اقتصادی، در توسعه اقتصادی، در مدیریت و غیره مطرح می گردد. بر اساس پیش بینی های به عمل آمده توسط دفاتر مختلف سازمان ملل متحد حدود ۴۵۰ سال باید بگذرد تا قدرت اقتصادی زنان با مردان برابر گردد. با تمام تلاشهایی که تاکنون به عمل آمده است، هنوز هم در بسیاری از جوامع تفاوت هایی زیادی بین زنان و مردان است. تأکید می شود که چنین تفاوتهایی در جوامع صنعتی تا حد زیادی کاهش یافته است، ولی در جوامع رو به توسعه به علل مختلف فرهنگی، اجتماعی، جمعیتی، و.... هنوز هم تفاوت های قابل توجهی بین زنان و مردان به لحاظ موقعیت اقتصادی آنها وجود دارد. (علویان: ۱۳۸۱)

استقلال اقتصادی زنان

استقلال اقتصادی زنان به عنوان کلیدی به سوی موقعیت بهتر آنها مطرح است، در بسیاری از نظام های اجتماعی، زنانی که موقعیت اقتصادی بهتری دارند، و بیشتر متکی به خود هستند، از موقعیت بالاتری برخوردارند. احساس آزادی بیشتری می کنند و به لحاظ اقتصادی متکی به دیگران نیستند. همین طور این وضعیت تا جایی که به زنانان مربوط می شود، میزان باروری پایین تری را برای آنها به دنبال دارد. در شرایط حاضر و با توجه به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بسیاری از جوامع زنان راه به سوی بازار کار و موقعیت اجتماعی به هم پیدا کرده اند. این وضعیت در جوامع صنعتی بیشتر مشهود و سابقه بیشتری دارد. (علویان، ۱۳۸۱: ۸۹)

زن و اشتغال در آمدها

بازار کار بریتانیا در سده ی بیستم شاهد افزایش مداوم مشارکت زنان به ویژه در زمینه ی، کارهای نیمه وقت بوده است. بیش ترین افزایش مربوط به میزان مشارکت زنان متأهل از زمان جنگ دوم جهانی است. معتقدان به ایدئولوژی خانواده شاید نقش عمده ی زنان را کد با نوگری و مادری بدانند، ولی بیشتر زنان از جمله زنان متأهل در بیشتر سالهایی که توانایی اشتغال دارند کار می کنند. بنا بر سرشماری سال ۱۹۸۱ زنان به رغم تفاوت های اساسی منطقه ای و قومی - چهل درصد از نیروی کار را تشکیل می دادند. (استون، ۱۹۳۸۳، میس ۱۹۸۳).

احتمال اشتغال زنان مت‌همل از زنان مجرم کم تر است. در ۱۹۸۵ از میان زنان متأهل ۱۶ تا ۵۹ ساله که به مردان ۱۶ تا ۶۴ ساله شوهر کرده بودند. ۶۳ درصد فعالیت اقتصادی داشتند که شغل ۳۲ درصد آنان نیمه وقت بوده است. زنان متعلق به واقعیت های قومی نیز با هم تفاوت هایی دارند، هم از نظر مشارکت در بازار کار و هم از نظر اشتغال به کار تمام وقت یا نیمه وقت. زنان مسلمان کمتر پیش می آید که شاغل باشند ولی ارقام موجود کارهایی را که احتمالاً آنان در خانه به آن می پردازند در بر نمی گیرد. از س.ی دیگر، زنان سیاه پوست کارایی و زنان مسلمان آسیایی اگر کار کنند. احتمالاً بیش از زنان سفیدپوست به کارهای تمام وقت روی می آورند. از میان زنان سفید پوست شاغل ۴۴ درصد شغل نیمه وقت دارند. حال آنکه این رقم برای زنان هند غربی ۲۹ درصد و برای زنان آسیایی ۱۶ درصد است. (مجله اشتغال، ۱۹۸۵)

جدول ۱-۱ موقعیت اقتصادی زنان در سنین اشتغال، در فاصله ی سال های ۶-۱۹۸۴ بر حسب گروه قومی (ارقام درصد)

گروه قومی	تمام وقت در استخدام	نیمه وقت در استخدام	شغل آزاد	بیکار	خانه دار	دانشجوی تمام وقت	دیگر
سفید پوست	۳۱	۲۴	۱	۷	۲۲	۴	۱۱
هندی غربی (گویانی)	۴۱	۱۴	-	۱۳	۱۴	۹	۹
هندی پاکستانی (بنگلادشی)	۲۲	۷	-	۹	۴۱	۷	۱۴
دیگران	۲۷	۱۴	-	۱۰	۲۴	۱۲	۱۳

منبع: نشریه بین المللی فرصت های مساوی، ۱۳۴

زنان بیش از مردان به مشاغل کارمندی گرایش دارند معینی ۶۵ درصد مقابل ۴۶ درصد در عرض مردان بیش از زنان در کارهای تخصصی و مدیریت دیده می شوند و نسبت زنان به مردان در این زمینه ۲۵ به ۲۴ درصد است. در طبقه بندی شغل های یدی احتمال متخصص شمردن برای مردان خیلی بیش از زنان است یعنی ۲۶ درصد در مقابل ۴ درصد برای زنان ضد غربی و آسیایی بیش از زنان سفیدپوست پیش می آید که به حرفه های یدی غیر تخصصی پردازند و از میان ایشان زنان غربی کمتر احتمال دارد در بالاترین طبقه اجتماعی قرار بگیرند.

بدیهی است که مسئولیت های خانگی بر مشارکت زنان در بازار کار اثر می گذارد. این مشارکت بیش تر مفید به وجود بچه های وابسته به مادر است نه ازدواج زنانی که کودکان خردسال دارند، بازار کار را ترک می کنند تا پس از رسیدن بچه ها به سن مدرسه به کار نیمه وقت و بعد که بچه ها بزرگتر شدند به کار تمام وقت بازگردند. شمار زیادی از زنان نه تنها پس از بچه دار شدن بلکه حتی در فاصله ی بین روزایمان به سر کار خود برمی گردند و زمان ترک کار ناشی از بارداری خویمان روز به روز کم تر می شود. مدت

اشتغال زنان در طول زندگی شان مدام رو به افزایش است با این حال شمار کسانی که شغل تمام وقت دائمی دارند به خاطر مسئولیت های خانگی بسار اندک است با این حال مردان و زنان اغلب در حرفه های متفاوتی متمرکز شده اند و وضع بیش تر به این صورت است که مردان در نتیجه، زنان اغلب از شرایط شغلی همسان بامردان، یا حتی از حمایت های قانونی اشتغال برخوردار نمی شوند. (آبوت، والاس؛ ۱۳۸۰-۱۸۴-۱۸۷)

تفکیک مشاغل

به نظر کاترین حکیم (۱۹۷۲) بازار کار بر حسب جنسیت به دو صورت افقی و عمودی تفکیک شده است؛ زنان علاوه بر این که در مشاغل معدودی متمرکز شده ناد از نظر سلسله مراتب شغلی نیز در رده های پایین تر قرار دارند. بنا بر یافته های مارتین و رابرتز (۱۹۸۴) ۶۳ درصد از زنان به حرفه هایی اشتغال دارند که خاص زنان است و ۸۱ درصد از مردان در حرفه های خاص مردان کار می کنند. به علاوه زنان در مشاغل محدودی متمرکز شده اند از میان هیجده شغلی که در زمینه یابی درآمدهای تازه ی سال ۱۹۸۵ فهرست شده است بیش از ۷۰ درصد از زنان شاغل تمام وقت و همین تعداد یا بیش تر از شاغلان نیمه وقت فقط در سه گروه شغلی- مشاغل اداری و دفتری، مشاغل تخصصی و مشابه آن در امور آموزش و بهزیستی و بهداشت، و خدمات شخصی کار می کنند. در درون این گروه های شغلی نیز زنان شاغل در بخش هایی مجتمع شده اند. که عموماً کار زنان شناخته می شود. در گروه مشاغل تخصصی و مشابه آن در امر آموزش و بهزیستی و بهداشت بیش ترین کاری که برای زنان وجود دارد پرستاری است. برای زنان بیش از مردان احتمال دارد که به طور کلی، و نیز در درون طبقه بندی های شغلی، در مشاغل کم منزلت و کم درآمد قرار گیرند. گرچه احتمال اشتغال زنان به کارهای اداری بیش از مردان است ولی فقط شمار اندکی از آنان به کارهای تخصصی با مدیریت دست پیدا می کنند. آن گروه از زنان هم که به کارهای تخصصی اشتغال دارند عمدتاً در حوزه های نیمه تخصصی رده های پایین تر نظیر معلمی مدرسه، کتاب داری، پرستاری و خدمات اجتماعی قرار گرفته اند.

جدول ۱-۲ تقسیم بندی جنسی در میان نیروی کار فروشگاههای بزرگ

نیمه وقت	تمام وقت	زن	مرد	
-	۱۹	۳	۱۶	مدیر
۴	۱۴	۱۴	۴	سرپرست
-	۱	۱	-	تصدیان حرفه ای و فنی
۱۵۲	۴۹	۱۶۸	۳۸	فروشندهگان
۳	۵	۸	-	متصدیان اداری و دفتری
-	۱	-	۱	کارآموز

منبع: نشریه بین المللی فرصت های مساوی، ۱۱۶

جدول ۳-۱ مشاغلی که ۹۰ درصد از کارکنان آن از یک جنس اند.

شغل های عمدتاً زنانه	شغل های عمدتاً مردانه
خیاطان دست دوز و چرخ کاران و موزن دوزان پرستاران خدمتکار، پاده و امثال آن ها صندوق دار ماشین نویس، منشی و تند نویس	معدنچیان ، حرفه های مهندسی که کارگران برق کار و الکترونیک ، کارگران ساختمان، کارگران کوره آهنگری و اسکلت سازان ، دکوراتورها و نقاشان ساختمان، نجارها رانندگان، پست چی ها، قصاب ها بازرگانان، پیمان کاران، باغبانان، افراد پلیس و نیروهای مسلح، مدیران و متصدیان اجرایی مهندسان و کارگران

زنان و کارهای ستادی که از عمده ترین مشاغل زنان است بیشتر در شغل هایی که درآمدی و بی آینده که کارهای زنانه پنداشته می شود مشاهده می شوند. زنان را غالباً بر این پایه استخدام می کنند که ترفیع شغلی نخواهند داشت. پس از استخدام، برای زنان کارمند کم تر از مردان احتمال تجربه های کاری سازنده و فرصت مطالعه که برای احراز شرایط ترفیع لازم است وجود دارد. هر چه از منزلت کارهای ستادی کاسته شده و وظایف آن قالبی تر و شسته رفته تر و ساده تر شده است مقدار زنانی که در این مشاغل به کار گمارده می شوند افزایش یافته است. غیر تخصصی شدن و از ارزش افتادن کارهای ستادی برای مردان با امکان ترفیع شغل جبران می شود. زنان را در پایین ترین مراتب شغلی به کار می گیرند و دستمزد کم تری به آنان می پردازند و زمانی که برای زایمان دست از کار بکشند با زنان جوان دیگر جایگزین می شوند.

براورمان (۱۹۸۴) می گوید که کارمندان اکنون پرولتارز یاد شده اند و زنانه شدن کارهای ستادی بخش از همین روند است. کرامپتون و جونز (۱۹۸۴) با احیای این بحث استدلال می کنند که زنان کارمند را می توان پرولتاریا دانست ولی در مورد مردان کارمند چنین نیست به نظر این دو، با توجه به افزایش انتظارات و پذیرش قابلیت زنان برای ترفیع شغلی ممکن است در آینده بیشتر به زنانی قابل مقایسه است که حرفه های تخصصی و مدیریتی دارند. نه با زنان کارگر یدی که کم تر کاری که تخصصی شمرده شود اشتغال دارند. (آبوت و والاش، ۱۳۸۰-۱۹۶-۱۹۷)

تأثیر اشتغال زنان در تربیت فرزندان

عدم حضور پدر و مادر در خانه باعث می شود که زمانی که فرزندان به نظارت والدین نیازمندند، آنان را در کنار خود احساس نکنند، از این رو تربیت فرزندان به ویژه در سنین رشد، با اختلال مواجه می شود و زمینه آسیب پذیری آنان به دلیل فقدان کنترل و نظارت، افزایش می یابد. (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۱۹۹۵)

والدینی که به هر علت نتوانند به فرزندان خود برسند و یا مجال کافی برای تربیت کودکان خود نداشته باشند باید بدانند که کودکانشان در هر صورت تحت تأثیر عوامل زیان بخش قرار گرفته، سر از جرم و

تبهکاری در خواهند آورد. عقده های ناشی از محرومیت به گونه ای است که موجبات کج خلقی و ناسازگاریشان از هر سو فراهم می آید. (نشریه حوراء ۱۳۸۲:۶) گرچه با ایجاد موسسات جدید اجتماعی شدن شش مدارس و مهدهای کودک و سائل ارتباط جمعی و امثال آن، وظیفه تربیتی و پرورشی گردیده اند. اما خلاً ناشی از عدم وجود مادر را نمی توانند پر کنند. مسلماً عاطفه محبت مادر نسبت به فرزند بیش از دیگران است. (قائمی، ۱۳۶۶:۱۹۰) در هر صورت اشتغال زنان ایجاب می کند که از فرزندان و خانواده خود برای ساعات طولانی جدا شوند. و این امر سبب گردیده که روز به روز فاصله ی فرزندان از خانواده و والدین بیشتر شده و بنیان خانواده کمتر متزلزل گردد. (حقانی زنجانی، ۱۳۸۱:۲۵۸)

از سوی دیگر، ارزش گذاریهایی که در فرهنگ مدرن درباره ی استقلال مالی و اشتغال صورت می گیرد، رقابت برای کسب موقعیت های شغلی را به مثابه یک ارزش جلوه گر می سازد و افرادی که در این مسابقه موفق به احراز مشاغل میشوند احساس پیروی می کنند. به گفته استوارت از کمپ، هر چه شخص چیزی را بیشتر بخواهد و هر قدر چیزی برای او مهم تر باشد، پس از بدست آوردن آن خشنودتر خواهد شد و در فرض عدم دسترسی به آن بیشتر احساس ناکامی می کند. (از کمپ: ۲۶۰)

به نظر می رسد احساس رضایت مندی در دختران مجرد بیش از مادران شاغل باشد؛ زیرا بسیاری اوقات، مادران از اینکه با انتخاب شغل از نگهداری فرزندان سرباز زده اند احساس گناه می کنند. برخی پژوهش های داخلی نشان داده اند که هر چه علاقه زدن به کار بیرون، از منزل بیشتر باشد، احساس گناه و ناراحتی از نبودن در خانه و در کنار فرزندان کمتر می شود. (موسوی: ۱۱۴)

برآورد شاغلان زن برحسب سطح سواد و وضع شغلی استان کهگیلویه و بویراحمد

اظهار نشده	مزد و حقوق بگیران بخش عمومی	بخش خصوصی					جمع	جنس و سطح سواد
		کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کارفرمایان	جمع		
۷۱۱	۸۱۸۲	۱۶۸۷	۱۶۰۹	۳۰۹۸	۴۰۵	۶۷۹۹	۱۵۶۹۲	زن
۶۲۸	۸۰۹۶	۸۵۴	۱۵۴۳	۲۰۷۷	۳۵۱	۴۸۲۴	۱۳۵۴۸	باسواد
۱۴۶	۱۵۳	۳۱۸	۲۲۸	۶۵۹	۵۲	۱۲۵۷	۱۵۵۶	ایتدائی
۸۰	۱۵۰	۳۷۳	۲۵۱	۵۰۷	۱۱۲	۱۲۴۳	۱۴۷۳	راهتمائی
۱۱۱	۱۶۶۳	۸۰	۶۷۰	۵۷۴	۱۲۹	۱۴۵۳	۳۲۲۸	متوسطه
۰	۱۳۲	۱۴	۱۰	۳۵	۱۷	۷۶	۲۰۸	پیش دانشگاهی
۲۳۳	۵۹۲۱	۰	۳۱۱	۷۵	۲۶	۴۱۲	۶۵۶۶	عالی
۵۰	۵۷	۵۴	۵۳	۲۱۵	۶	۳۲۸	۴۳۵	سوادآموزی بزرگسالان
۹	۱۹	۱۵	۱۹	۱۰	۱۰	۵۴	۸۳	سایر و اظهارنشده
۸۳	۸۶	۸۳۳	۶۶	۱۰۲۲	۵۴	۱۹۷۵	۲۱۴۴	بی سواد

منبع: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس رویکرد کمی تحقیق و با استفاده از روش پیمایش به جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته است.

الف - جامعه آماری و نمونه :

جامعه آماری در این تحقیق کلیه زنان متأهل شاغل در سال ۹۲ دهمشت می باشد.

ب - محاسبه حجم نمونه :

در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران $n = \frac{t^2 pq}{d^2 n - d^2 + t^2 pq}$ حجم نمونه ۳۰۰ نفر تعیین گردیده. در نهایت تعداد ۲۰۰ پرسشنامه بین جمعیت نمونه توزیع گردیده و در نهایت داده های پرسشنامه وارد نرم افزاری SPSS گردید و مورد تحلیل قرار گرفت.

ج - شیوه نمونه گیری :

در این تحقیق از روش نمونه گیری طبقه بندی شده استفاده می شود. این روش شکل اصلاح شده ای از نمونه گیری تصادفی ساده و سیستماتیک است که هدف آن از رسیدن به نمونه های معرف تر و دقیق تر اسن. (دواس، ۱۳۸۵: ۷۲)

در این تحقیق با توجه به بخش های متعدد جامعه آماری ابتدا نسبت زنان شاغل به کل جامعه آماری محاسبه، سپس این نسبت ها برای نمونه مورد مطالعه نیز محاسبه می شود و سپس از آن نمونه مورد نظر از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب می شود.

د- ابزار اندازه گیری:

در این روش از تکنیک یا ابزار پرسش نامه استفاده می شود. پرسشنامه مورد استفاده از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول درباره انواع گوناگون اهداف مربوطه به زندگی شغلی و خانوادگی فرد ارایه شده است. بخش دوم نیز یک سری سوالات درباره کارکردهای خانواده است.

ه - روایی اندازه گیری:

روایی پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب نظر تضمین گردید. بدین منظور، پرسش نامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیات پژوهش در اختیار اساتید و متخصصین قرار داده شده و نقطه نظرات آنها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

و - پایایی اندازه گیری:

برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده ابتدا واریانس نمرات پرسشنامه و واریانس کل جامعه را محاسبه کرد. سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار ضریب آن را محاسبه نمود. $(rj / j - 1 [1 - \sum jj^2 / s^2])$

تجزیه و تحلیل داده ها

جدول شماره ۱-۴: توزیع مطلق و نسبی زنان شاغل شهر دهدشت در خصوص رابطه بین اشتغال زنان با کارکردهای خانواده بر حسب نحوه تربیت فرزندان در سال ۱۳۹۲

شاخص آماری نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	r	R ^۲	سطح معنی داری
کارکردهای خانواده	۳/۷۳۳۲	۰/۹۶۰۶۷	۲۰۰	۱۱	۰/۶۲	۰/۳۸	P</0.05
نحوه تربیت فرزندان	۳/۵۳۴۱	۳/۵۳۴۱	۲۰۰				

ANOVA (b)

Model	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
Regression	۶۹/۴۹۶	۱	۶۹/۴۹۶	۱۲۰/۵۳۶	۰/۰۰۰
Residual	۱۱۴/۱۵۹	۱۹۸	۰/۵۷۷		
Total	۱۸۳/۶۵۵	۱۹۹			

معادله خط رگرسیون: (نحوه تربیت فرزندان $y = 1/579 B + 615$)
 بر اساس یافته های جدول شماره ۱-۴ بین نحوه تربیت فرزندان و کارکردهای خانواده همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود داشته ($p < 0.05, r = 0.62$) و ۳۸٪ از تغییرات کارکردهای خانواده مربوط به نحوه تربیت فرزندان می باشد.

جدول شماره ۲-۴: توزیع فراوانی مطلق و نسبی زنان شاغل دهمدشت در خصوص رابطه بین اشتغال زنان با کارکردهای خانواده بر حسب رضایت از زندگی در سال ۱۳۹۲

شخص آماری	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	r	R ^۲	سطح معنی داری
کارکردهای خانواده	۳/۷۳۳۶	/۷۱۸۱۸	۲۰۰	۵	/۳۲	٪۱۰	P</۰.۵
رضایت از زندگی	۳/۵۳۴۱	/۳۹۳۱۸	۲۰۰				

ANOVA (b)

Model	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
Regression	۶۹/۱۰۶/۴۹۵۰۸	۱	۱۰/۵۰۸	۲۲/۵۸۱	۰/۰۰۰
Residual	۹۲/۱۳۴	۱۹۸	/۴۶۵		
Total	۱۰۲/۶۴۱	۱۹۹			

معادله خط رگرسیون: (رضایت از زندگی $y = ۱/۷۰۸ B + ۳۲۰$) کارکردهای خانواده .
 بر اساس یافته های جدول شماره ۱-۴ بین رضایت از زندگی و کارکردهای خانواده همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود داشته ($r=۳۲$, $p</۰.۵$) و ۱۰٪ از تغییرات کارکردهای خانواده مربوط به رضایت از زندگی می باشد.

جدول شماره ۳-۴: توزیع فراوانی مطلق و نسبی زنان شاغل دهمدشت در خصوص رابطه بین اشتغال زنان با کارکردهای خانواده بر حسب مسئولیت پذیری در سال ۱۳۹۲

شاخص آماری نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	r	R ^۲	سطح معنی داری
کارکردهای خانواده	۴/۰۲۰۰	۱/۹۰۲۰۴	۲۰۰	۷	/۴۵	٪۲۰	P</۰۵
مسئولیت پذیری	۳/۵۳۴۱	۱/۳۹۳۱۸	۲۰۰				

ANOVA (b)

Model	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
Regression	۳۲/۶۲۸	۱	۳۲/۶۲۸	۴۹/۹۶۸	۰/۰۰۰
Residual	۱۲۹/۲۹۲	۱۹۸	۱/۶۵۳		
Total	۱۶۱/۹۲۰	۱۹۹			

معادله خط رگرسیون: (مسئولیت پذیری $y = 1/708 B + (320$) کارکردهای خانواده .
 بر اساس یافته های جدول شماره ۱-۴ بین مسئولیت پذیری و کارکردهای خانواده همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود داشته ($p < /05$, $r = /45$) و ۲۰٪ از تغییرات کارکردهای خانواده مربوط به مسئولیت پذیری می باشد.

جدول شماره ۴-۴: توزیع فراوانی مطلق و نسبی زنان شاغل دهمدشت در خصوص رابطه بین اشتغال زنان با کارکردهای خانواده بر حسب رفاه و آسایش در سال ۱۳۹۲

شاخص آماری نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	r	R ^۲	سطح معنی داری
کارکردهای خانواده	۴/۴۱۵۰	/۸۸۱۲۸	۲۰۰	۷	/۴۳	٪۱۹	P</۰۵
رفاه و آسایش	۳/۵۳۴۱	/۳۹۳۱۸	۲۰۰				

ANOVA (b)

Model	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
Regression	۲۸/۹۴۲	۱	۲۸/۹۴۲	۴۵/۶۱۹	۰/۰۰۰
Residual	۱۲۵/۶۱۳	۱۹۸	/۶۳۴		
Total	۱۵۴/۵۵۵	۱۹۹			

معادله خط رگرسیون: (رفاه و آسایش $y = 1/7.08 B + (32.0$ کارکردهای خانواده).

بر اساس یافته های جدول شماره ۴-۱ بین رفاه و آسایش و کارکردهای خانواده همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود داشته ($p < /0.05$, $r = /43$) و ۱۹٪ از تغییرات کارکردهای خانواده مربوط به رفاه و آسایش می باشد.

نتیجه گیری

اشتغال زنان، می تواند مصلحت های مهمی چون تأمین نیازهای ضروری خانواده و اجتماع را در پی داشته باشد. چنان که می تواند مخاطراتی را در پی آورد که نباید به سادگی از کنار آنها گذشت. از سوی دیگر، فرصت زمانی بیشتر، تحصیلات و امکانات ویژه ای که برای نقش آفرینی زن امروز وجود دارد وی را به سمت ایفای نقش های اجتماعی، از جمله در شکل احراز فرصت های شغلی می کشاند.

در عین حال اشتغال زن در سطح وسیع جامعه، به رغم تعهدات دوگانه اش الزاماً به معنی بردگی و استثمار او نیست و نباید به چنین تحولی به دیده انکار نگریست؛ زیرا آثار مثبت مادی و معنوی این اشتغال غالباً علاوه بر وضع خود زن، که ضمن کسب درآمد به استقلال و اعتبار اجتماعی بیشتری دست می یابد، متوجه همسر و فرزندان او نیز می شود. تأثیر اجتماعی عمده این تغییر، دگرگونی روال سنتی در نقش زنان و تقسیم کار درون خانواده است، هر چند که به رغم پذیرش وسیع اشتغال زنان از جانب طبقات متفاوت اجتماعی ایران، هنوز آن تغییرات فرهنگی که لازمه هماهنگی میان اشتغال زن و تقسیم وظایف و مسئولیت ها در خانواده است. به طور کامل روی نداده است، بررسی روابط و مناسبات درون خانواده چنین نشان می دهد که با زیر سوال رفتن پاره ای از ارزش ها و هنجارهای سنتی، نقش زن با تغییراتی روبه رو شده است و حاصل این تغییرات بسط و توسعه زمینه فعالیت های اجتماعی اوست. روی آوردن زنان به اشتغال در خارج از کانون خانوادگی تأثیری بسزا در ابعاد هویت اجتماعی آنان داشته و این امر به نوبه خود موجب افزایش اعتماد به نفس جامعه زنان شده است. احراز موقعیت اجتماعی بهتر با تأثیری که از نظر شخصیتی به جامی گذارد، تا حدودی معضلات ناشی از اشتغال دوگانه را هموار ساخته است. البته نه تنها راه این تحول همیشه هموار نیست، احتمال هم دارد که در اثر تضاد ارزشی، در ایفای نقشها تعارضاتی پدید آید. خطر بروز چنین حالتی بیشتر در مواقعی است که فعالیت شغلی زن با الگوی سنتی، با تقسیم کار بر اساس جنسیت، تحت هر شرایطی، اداره امور خانگی به عهده زن پنداشته می شود و بر اساس همین ارزشهای سنتی، فعالیت وی در خارج از خانه به معنی تضعیف انسجام خانواده تلقی گردد.

تفکیک مشاغل بر ذهنیت خود زنان نیز اثر می گذارد و موجب دامن زدن بر تعارضات موجود می شود خلاصه ی مطلب این که زنان باید در اجتماع حضور یابند ولی نه به هر قیمتی از جمله رها کردن فرزندان و عدم رسیدگی به شوهر و نهایتاً سست شدن ارکان خانواده و فروپاشی آن حضور زنان در اجتماع تنها مستلزم اشتغال در بیرون از خانه نیست. این امر می تواند با شرکت در گروه های سازمان مردم نهاد و فعالیت در کارهای عام المنفعه و تحقق پذیرد.

پیشنهادات

- از آنجا که تنزل جایگاه خانواده، مادری و همسری از عوامل رویکرد زنان به اشتغال است از این روی، لازم است سیاست های تبلیغی و نظام ارزش گذاری به سمت خانواده محوری تغییر صبر دهد تا زنان و ظایف خود در خانواده را بشناسد و در قبال ارتقای درست آنها احساس مسئولیت کنند.
- سیاست های اشتغال باید به گونه ای اصلاح شود که کارفرمایان به جذب مردان سرپرست خانواده رغبت کنند.
- اصطلاحات فرهنگی به منظور برجسته شدن و کارآمدی نقش مادری و همسری زن، و قرار گرفتن فعالیت های دیگر در اولویت بعدی
- توسعه مشاغل خانگی و ارزش گذاری کارهای خانگی
- با توسعه مشاغل نیمه وقت می توان این امکان را به زنان داد تا وقت بیشتری برای هم صحبتی با شوهر و ایفای نقش مادری داشته باشد.
- استفاده از خدمات مشاوره ای جهت پیشگیری از استرس های شغلی و تأمین بهداشت روانی زن برای سازگاری موثر با زندگی خانوادگی
- آموزش های لازم برای اعضای خانواده، اگر خانواده اشتغال زن را پذیرفته است باید از مهارت های لازم برای پر کردن خلأ حضور و عاینه برخوردار شود.
- کم کردن مشکلات زنان شاغل نیازمند آن است که مهارت های لازم برای مواجهه با محیط کار و اجتماع و مشکلات خانوادگی برای آنان پیش بینی شود تا بتوانند افزون بر افزایش کارایی خود در عرصه خانواده، پیامدهای جسمی و روانی و اخلاقی اشتغال را نیز کم کند.

منابع

- آذربایجان، مسعود. (۱۳۸۴) مقاله اشتغال زنان در جامعه، ص ۹۹۵.
- ابوت، پاملا و والاس، کلر، جامعه شناسی خانواده، ترجمه منیژه نجم عراقی، ص ۱۲۶.
- ابوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۰) جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی ۱۳۸۰.
- اسحاقی، حسین، (۱۳۸۳). موانع و راهبردها و آسیب های مشارکت زنان، ماهنامه رواق اندیشه، سال چهارم.
- اسحاق حسینی، سید احمد، (۱۳۸۲). مجموعه مقالات زنان، مشارکت و برنامه ریزی برای توسعه پایدار، (تهران: برگ زیتون)، صفحه ۱۹۰-۱۸۵.
- الوانی، مهدی، ضرغامی فرد، مژگان، (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه، مجله تدبیر، شماره ۱۱۳.
- اسعدی، حسن (۱۳۸۶)، حقوق متقابل اعضای خانواده، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ص ۳۸-۳۷.
- حجازی، قدسیه، جرائم زن در ایران، ص ۱۱۵.
- حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، ص ۲۲۱.
- خامنه بی، محمد. (۱۳۷۵) حقوق زن: مقایسه حقوق بشری زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر، ۷۶ تهران، انتشارات علم و فرهنگ.
- دادورخانی، فضلیه. (۱۳۸۵) چالش های اشتغال زنان، مجله پژوهش های جغرافیایی، ش ۵ ص ۸۸۸-۱۷۱.
- رحیمی، ملاحمد، بررسی پیامد اشتغال زنان و فرزند اول آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه شیراز، ص ۱۴۸.
- رستمی، الهه (۱۳۷۹) متمرجم رویا رستمی، انتشارات جامعه ایران، تهران، ص ۱۵۲-۱۴۷
- رهنما، ریحانه، جایگاه اشتغال زنان در حقوق ایران و بین الملل، ۱۳۸۴ ص ۱۰.
- ریترز، جرج. (۱۳۷۴) نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- روزنامه همشهری، یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۸۶، سال پانزدهم، شماره ۴۲۳۶ ص ۲۳.
- زیبایی نژاد، محمد رضا. (۱۳۸۸) علل و عوامل رویکرد زنان به اشتغال، مجموع مقالات.
- زیبایی نژاد، محمد رضا. (۱۳۸۳) درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ چهارم،
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰) مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش .
- سفیدی، خدیجه. (۱۳۷۳) بررسی جنبه های کمی و کیفی اشتغال و رابطه آن با توسعه اقتصادی، پایان نامه، دوره دکترا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- سفیدی، خدیجه. (۱۳۷۷) جامعه شناسی اشتغال زنان، چاپ اول، پژمان.
- صادقی، مسعود، عمارزاده، مصطفی. (۱۳۸۳) تحلیلی بر عوامل اقتصادی اشتغال زنان، تهران، نشریه پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- علویان، سید محمد رضا. (۱۳۸۴) کار زنان در حقوق بین الملل کار، چاپ ودم، روشنگران و مطالعات زنان .
- قائمی، علی. (۱۳۶۶) کودک و خانواده، نابسامان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۹) مقدمه ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوق ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار مجله پرتو، ۱۳۸۸، شماره ۱۵۰، ص ۳.
- ملک زاده، فهیمه. (۱۳۸۷) نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقش ها، فصلنامه فقر و حقوق خانواده، ش ۴۹ ص ۶۷ مهدوی، محمدرضا، خوانش انتقادی اشتغال زنان نشریه داخلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ش ۸، آبان و آذر ۸۳ ص ۱۸-۱۹ .
- موسوی، بتول، بررسی اشتغال زنان متأهل و مشکلات آنان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ص ۶۵.
- موسوی، خامنه، مرضیه. (۱۳۷۱) زنان در فرآیند توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- نیکو برش زاده، فرزانه. (۱۳۸۵) نگرش به اشتغال زنان در مدیریت و برنامه ریزی توسعه، فصلنامه بانوان شیعه، ش ۹ ص ۸۷.